

باسمه تعالی

- ۱..... بررسی کلام محقق خویی
- ۲..... مناقشه در کلام محقق خویی
- ۴..... اشکال: ورود با طهارت صدق می کند
- ۴..... جواب: این طهارت کافی نیست
- ۴..... راه حل استاد برای تعدی به طواف
- ۴..... اشکال: صحت کلام محقق خویی بر مبنای استاد
- ۵..... جواب: مبنا درست فهم نشده است
- ۵..... زوال عذر در اثناء نماز
- ۵..... مختار محقق خویی و مرحوم حکیم: صحت نماز
- ۶..... وجه اشکال سید یزدی در مسئله
- ۷..... مختار استاد در مسئله
- ۷..... زوال عذر در اثناء نماز در ضیق وقت
- ۸..... وجدان آب بعد از رکوع در نماز
- ۸..... مختار سید یزدی: احتیاط
- ۹..... مختار محقق نراقی: انتفاض تیمم نسبت به نماز های بعد
- ۱۰..... مناقشه در کلام محقق نراقی

موضوع: وجدان آب در اثناء عملی غیر از نماز / احکام تیمم / تیمم

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مسئله ی وجدان آب در اثناء عملی غیر از نماز بود که آیا می توان از نماز به غیر آن تعدی کرد یا خیر؟ بررسی این مسئله تمام شد. یک سخنی که در بحث طواف مانده است و در جلسه ی قبل وعده دادیم را در این جلسه متعرض می شویم. محقق خویی در طواف تفصیل دادند بین اینکه وجدان آب بعد از شوط چهارم یا قبل آن باشد. اصل فرمایش ایشان را بیان کردیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی کلام محقق خویی

محقق خویی در طواف تفصیل دادند بین اینکه وجدان آب بعد از شوط چهارم یا قبل آن باشد. اصل فرمایش ایشان را بیان کردیم.

محقق خویی یک مطلبی را اضافه کرده و فرموده است: «مراد ما از قول به تفصیل مخصوص جایی است که شخص تیمم صحیح گرفته باشد برای غایتی از غایات، و سپس با همان تیمم صحیح طواف خود را نیز به جا آورد. و بعد از شوط رابع آب پیدا کرده باشد. بنابراین اگر شخص فقط برای خود طواف تیمم کند و در اثناء طواف آب پیدا کند شکی نیست که باید طواف را از اول انجام دهد و قول به تفصیل دیگر جای نخواهد داشت»^۱.

طبق بیان ایشان بحث در طواف آنجاست که مکلف برای غایتی تیمم کرده و تیممش نیز مشروع بوده است؛ مثلاً برای اینکه نماز بخواند تیمم کرده است و بعد با تیممی که مشروع بوده است وارد طواف شد و بعد از شوط رابع آب یافته است. اما اگر تیمم کرده باشد برای همین طواف و در وسط آب پیدا کرده است واضح است که تیمم مشروع نبوده است و خارج از بحث است. ایشان در تحریر نزاع فرموده است: «بحث آنجاست که با تیمم مشروع وارد نماز شده است مثل حایضی که با طهارت مشروع وارد طواف شد و بعد از چهار شوط حائض شد. تعدی از حائض در این صورت است و بحث ما هم در این صورت است»^۲.

مناقشه در کلام محقق خویی

به نظر می رسد این فرمایش ناتمام است؛ زیرا ادعای ایشان مبنی بر اینکه بحث مربوط به جایی است که برای غایتی دیگر تیمم مشروع انجام داده باشد، درست نیست؛ زیرا کلام سید این است که آیا در جایی که وسط عمل آب پیدا شود، حکم طواف به نماز ملحق می شود یا خیر؟! از این عبارت سید کسی فرض مذکور در کلام محقق خویی را نمی فهمد. ممکن است ایشان بگویند که ما با کلام سید کاری نداریم؛ ما قائل به تفصیل در این فرض هستیم که: «المكلف تیمم لغایه اخرى و دخل فی الطواف و وجد الماء».

این نکته را هم بگوییم که ایشان در آن تعلیقه ی دومی که دارند که در تنقیح جدید هم این تعلیقه را آورده، می خواهد در ذیل تعلیقه نیز به این نکته اشاره کند؛ در تعلیقه گفته است: «فيه إشكال والأحوط الإتيان بعد الطهارة المائية بطواف كامل بقصد الأعم من الإتمام و التمام إذا كان وجدان الماء بعد تجاوز النصف و كان طوافه مع التيمم مشروعاً»^۳.

۱ موسوعة الامام الخوئي، السيد أبو القاسم الخوئي، ج ۱۰، ص ۳۸۲.

۲ موسوعة الامام الخوئي، السيد أبو القاسم الخوئي، ج ۱۰، ص ۳۸۲.

۳ العروة الوثقى (المحشى)، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۲، ص ۲۲۰. «لا يبعد جواز الإتمام بعد الطهارة المائية إذا كان الوجدان بعد تمامية الشوط الرابع، والأحوط الإتيان بطواف كامل بقصد الأعم من الإتمام و التمام».

«مع التیمم مشروعا» اشاره به همین مطلب دارد. تعلیقه ی اول ایشان مطلق است ولی تعلیقه ی دوم این قید را ذکر کرده است. توضیحش نیز همان کلام ایشان در تنقیح است که تیمم مشروع یعنی تیممی که برای غایتی دیگر انجام شده باشد. عرض ما این است که حتی در جایی که تیمم برای غایتی دیگر کرده است کلام اشان نادرست است؛ زیرا در گذشته ثابت کردیم اینکه اگر مکلف برای غایتی تیمم کرد، می تواند سایر غایات را نیز با همان تیمم به جا بیاورد منحصر در جایی است که آن سایر غایات نیز موضوعشان محقق باشد. جواز به جا آوردن سایر غایات با تیمم سابق که در کلمات آمده است، بدین معناست که لازم نیست برای هر غایتی تیمم خاصی را قصد کند، بلکه سایر غایاتی که موضوعشان محقق است نیز می تواند با همان تیمم به جا آورد.

آقای خوئی خود نیز قبول دارد که اگر کسی برای طهارت مطلق وضو گرفت نمی تواند با آن نماز بخواند؛ زیرا موضوع آن نماز محقق نیست. در باب ضیق وقت نیز وقتی مکلف برای ضیق وقت تیمم می کند، سایر غایات دیگر موضوعشان محقق نیست و این تیمم نسبت به آن ها مشروع نیست. لذا به عنوان مثال نمی تواند با آن تیمم مس قرآن کند. به همین خاطر است که ایشان در اینجا نسبت به طواف قبول کرده است که موضوع محقق نیست، لذا فرموده است: اگر برای طواف تیمم کند و در وسط طواف آب پیدا شود کشف می شود که از اول باطل بوده است. ما می گوئیم همین مطلب را باید نسبت به مسئله ی مورد بحث گفت؛ اگر مکلف تیمم کند برای غایتی دیگر مثل قرائت قرآن یا نماز و بعد داخل در طواف شود و وسط طواف آب پیدا شود کشف می کند که این غایت از اول موضوعش محقق نبوده است. لذا اینکه تیمم برای طواف کند یا برای غایتی دیگر تیمم کند اثری ندارد.

خلاصه اینکه همانگونه که اگر برای خود طواف تیمم کند و وسط طواف آب پیدا شود کشف می کنیم که از اول تیممش باطل بوده است، همچنین در جایی که برای غایت دیگری تیمم کند و بعد وارد طواف شود کشف می کنیم که این غایت نبوده است نه اینکه تیممش صحیح بوده است بلکه اصلا این غایت نبوده است.

لذا اگر تیمم برای طهارت کرد و وارد نماز شد و وسط نماز آب پیدا شد، برفرض اینکه ادله ی ثانویه نداشته باشیم محقق خوئی می گوید نماز باطل است.

بنابراین اشکال ما این است که تشبیه به حائض وقتی درست است که آن تیمم صحیح بوده باشد؛ اشکال ما این است که تیمم در مسئله ی مورد بحث، از اول صحیح نبوده است.

اشکال: ورود با طهارت صدق می کند

ما می توانیم بگوییم همانگونه که حائض با طهارت وارد طواف شده است، شخصی که تیمم کرده است نیز با طهارت وارد طواف شده است و هیچ فرقی بین دو مسئله نیست.

جواب: این طهارت کافی نیست.

شخصی که تیمم کرده است، طهارت دارد ولی اینکه آن طهارت برای طواف باشد به درد نمی خورد؛ چرا که وجدان آب کشف می کند که ما از اول طهارت طوافی نداشته ایم. لذا این فرمایش محقق خویی در این تعلیقه، را با آنچه که خودش فرموده است نیز نمی توان درست کرد.

راه حل استاد برای تعدی به طواف

بله اگر کسی بخواهد تعدی کند به طواف، شاید بتواند با همان بیانی که ما در جلسه ی گذشته عرض کردیم مسئله را تبیین کند. بیان ما این بود که: «الطواف لایزید علی الصلاة» از احکام و آثار عدیده ای که دارد. ما می گوییم طواف هم مشروط به طهارت است، طواف عبادتی است که شارع مقدس برخی احکام صلاة را بر آن بار کرده است ولی در خیلی از احکام هم نسبت به نماز آن را آسان گرفته است. به عنوان مثال: در بحث ستر و عورت اسان تر است، در لباس ما لایوکل لحمه آسان تر است، در نافله اش آسان تر است، در حال طواف می توان صحبت کرد، موالات هم در طواف معلوم نیست که شرط باشد. شاید فقط در چهار شوط اول شرط باشد، لذا اگر کسی به این نتیجه سید که طواف عبادتی مثل نماز است و آثار آن زیاده بر نماز نیست، بلکه احکام آن کم تر از نماز است، ممکن است به این نتیجه برسد که نماز را که بسیار مهم تر بود، مکلف می توانست ادامه دهد پس طواف را نیز می توان ادامه داد»^۱.

اشکال: صحت کلام محقق خویی بر مبنای استاد

کلام محقق خویی با مبنای خود شما درست است؛ زیرا شما نظرتان این است که اگر مکلف برای غایتی دگیر تیمم کند، بعد از آن می تواند نماز دیگری بخواند ولو اینکه اثناء عمل نیز آب پیدا کند.

^۱. برداشتی از فرمایش استاد در جلسه ی گذشته است.

جواب: مبنا درست فهم نشده است.

ما هیچ گاه نگفتیم که اگر در اثناء عمل هم آب پیدا کرد عملش صحیح است. گفتیم آخر وقت آب پیدا کند درست است؛ زیرا اگر در اثناء آب پیدا کند تمکن از طهارت مائیه دارد و دیگر موضوع تیمم محقق نیست.

زوال عذر در اثناء نماز

مرحوم سید یزدی در مسئله ی بعد می فرماید:

« إذا كان واجدا للماء و تیمم لعذر آخر من استعماله فزال عذره في أثناء الصلاة هل يلحق بوجدان الماء في التفصيل المذكور إشكال فلا يترك الاحتياط بالإتمام و الإعادة إذا كان بعد الركوع من الركعة الأولى»^۱

مسئله این است که اگر عذر مکلف {که عذری غیر از فقدان آب بود} در وسط نماز بعد از رکوع یا طبق قائلین به اطلاق، قبل از رکوع زائل شد، می تواند نماز را ادامه دهد یا خیر؟ مرحوم سید اشکال دارند. آیا می توان از وجدان آب به زوال عذر تعدی کرد؟ ایشان احتیاط دارند که مقتضای آن اتمام نماز و اعاده است.

مختار محقق خویی و مرحوم حکیم: صحت نماز

در مقابل سید خویی و مرحوم حکیم به صورت شفاف با دو وجه گفته اند که شخص می تواند نماز را ادامه دهد بلکه اگر قطع نماز را حرام بدانیم باید نماز را ادامه دهد.^۲

وجه اول این بود که «ما لم یصب الماء» که در روایت آمده است، خصوصیت ندارد و از باب این است که موضوع تیمم مرتفع شده است؛ زیرا غالب کسانی که تیمم می کنند از جهت بی آبی است. امام علیه السلام در روایت، فرض مسئله را شخص بی آب فرض کرده است. خیلی از روایات «ما لم یجد الماء» و امثال آن را مطرح کرده اند و عذر را مطرح نکرده اند؛ زیرا غالب افراد به دلیل عدم آب تیمم می کنند. بنابراین فقدان آب خصوصیتی ندارد و مهم این است که موضوع تیمم محقق یا مرتفع شده باشد.

ما عرض کردیم که حتی خود سید این الغاء خصوصیت را در نواقض قبول کرد؛ از باب اینکه «إِذَا مَرَّ بِالْمَاءِ أَوْ وَجَدَهُ انْتَقَضَ تَيْمُمُهُ»^۱ خصوصیت ندارد قبول کرد و گفت شامل زوال عذر نیز می شود. سوال این است که چرا سید در نواقض زوال عذر را ملحق به وجدان آب می کند ولی در این مسئله اشکال می کنند؟

۱ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۵.

۲ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۱۰، ص ۳۸۵.

وجه اشکال سید یزدی در مسئله

به ذهن می رسد وجه اشکال سید این است که در بحث نواقض، وقتی می گوید «إِذَا مَرَّ بِالْمَاءِ أَوْ وَجَدَهُ اتَّقَضَ تَيْمُمُهُ»^۲ از باب این است که موضوع تیمم مرتفع شده است. موضوع تیمم عدم وجدان آب است. در برخی روایات اذا وجد الماء مطرح شده بود که از باب ارتفاع موضوع است. بعد سید در نظرش ظاهراً این است که موضوع ما که عدم وجدان ماء به تنهایی نبود، بلکه مرض نیز می توانست موضوع تیمم را محقق کند؛ لذا از باب ارتفاع حکم به ارتفاع موضوع است و چون موضوع تیمم دو تا است، فرقی بین زوال عذر و وجدان آب در ناقضیت نیست. {البته همانجا هم احتیاط مستحب داشت}. برخلاف محل کلام ما که تفصیل بین قبل از رکوع و بعد از رکوع می دهد، دراین مسئله قضیه ی ارتفاع موضوع نیست، بلکه تعبد محض است. موضوع بقائاً مرتفع شده است. اینکه ایشان می گوید در یک فرض باطل است و در یک فرض ادامه بدهد تعبد محض است؛ از این رو نمی توان از «اصاب الماء» به زوال عذر تعدی کنیم. بنابراین وجه اختلاف نظر سید در دو بحث این است که در آنجا از باب انتقاض است و اینجا تعبد محض است.

از همین جا معلوم می شود که وجه ثانی را سید نمی تواند بپذیرد. وجه ثانی که محقق خویی مطرح کرده است عموم تعلیل است که در روایت آمده است: «فَيْتِمُّهَا وَلَا يَنْقُضُهَا - (لَمَكَانَ أَنَّهُ) دَخَلَهَا وَهُوَ عَلَى طَهْرٍ بَتَيْمُمٍ»^۳. سید می تواند در جواب بگوید که این تعلیل نیز تعبدی است. نمی توان گفت که هر کسی با طهارت وارد نماز شد نمازش تا آخر درست باشد.

شاهد تعبدی بودنش نیز صحیحه ی اولی زراره است که همین تعلیل آنجا نیز آمد. آنجا نیز امام علیه السلام تعلیل کرد که اگر بعد از رکوع آب پیدا شود نماز را ادامه دهد؛ زیرا با طهارت وارد نماز شده است:

« قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ إِنْ أَصَابَ الْمَاءُ وَقَدْ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ - قَالَ فَلْيَنْصَرِفْ فَلْيَتَوَضَّأْ مَا لَمْ يَرْكَعْ - فَإِنْ كَانَ قَدْ رَكَعَ فَلْيَمْضِ فِي صَلَاتِهِ - فَإِنَّ التَّيْمُمَ أَحَدُ الطُّهُورَيْنِ »^۴

۱ مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۲، ص ۵۴۴.

۲ مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۲، ص ۵۴۴.

۳ وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۳۸۱، أبواب بَابُ أَنْ مَنْ دَخَلَ فِي صَلَاةٍ بَتَيْمُمٍ ثُمَّ وَجَدَ الْمَاءَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْإِنْصَرافُ وَ الطَّهَارَةُ وَ الْإِسْتِنَافُ مَا لَمْ يَرْكَعْ، باب ۲۱، ح ۳، ط آل البیت.

۴ وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۳۸۱، أبواب بَابُ أَنْ مَنْ دَخَلَ فِي صَلَاةٍ بَتَيْمُمٍ ثُمَّ وَجَدَ الْمَاءَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْإِنْصَرافُ وَ الطَّهَارَةُ وَ الْإِسْتِنَافُ مَا لَمْ يَرْكَعْ، باب ۲۱، ح ۱، ط آل البیت.

پس معلوم می شود این تعلیلات عرفی نیست تا شما هر کجا شک کردید تمسک به آن ها بکنید. مثلاً تعلیل هایی که در علل الشرایع آمده است تعداد زیادی اش را نمی توان فهمید و تعبد هستند. تعلیلی که در روایت زرارہ آمده است نیز برای خصوص بعد از رکوع عرفی نیست؛ زیرا در قبل رکوع نیز همین تعلیل جاری است؛ پس معلوم می شود جمله ی مذکور یک تعلیل تعبدی است و نمی توان با تمسک به آن به زوال عذر تعدی کرد که غیر مورد روایت است.

مختار استاد در مسئله

ما هم تعدی از وجدان آب را به زوال عذر اشکال داریم. ولو اینکه اقرب به ذهن قول مقابل است ولی اینکه ما اطمینان پیدا کرده باشیم که این ها تعلیل های عرفی باشند ثابت نیست. بنابراین آن چه سید اشکال کرده است درست است. اما اینکه مرحوم سید فرموده است: احتیاط واجب این است که تمام کند و اعاده کند، ممکن است مورد قبول نباشد. مقتضای ادله ی اولیه، بطلان نماز است. این روایات مصححه قاصرند از اینکه مخصص باشند، مخصص مجمل است و وقتی مجمل بود ما به اطلاقات تمسک می کنیم و مقتضای آن ها را بطلان این نماز می دانیم. اطلاقات می گویند نماز باطل است، مقیدات نیز مجمل هستند، هم معلل مجمل است و هم علت مجمل است؛ در مخصص مجمل به قدر متیقن رجوع می کنیم و اطلاق بطلان نماز را اخذ می کنیم؛ لذا می تواند نماز را قطع کند؛ البته احتیاط مستحب این است که احتیاط کند و نماز را ادامه دهد و اعاده کند.

زوال عذر در اثناء نماز در ضیق وقت

« نعم لو كان زوال العذر في أثناء الصلاة في ضيق الوقت أتمها وكذا لو لم يف زمان زوال العذر للوضوء بأن تجدد العذر بلا فصل فإن الظاهر عدم بطلانه وإن كان الأحوط الإعادة »^۱

خوب بود که سید این فرض را اصلاً مطرح نمی کرد. چرا که در گذشته مطرح کرده بود.

ضیق وقت هم خصوصیت ندارد؛ به عنوان مثال سعه ی وقت است، دو دقیقه تب شخص رفته است و وضو ممکن است ولی بعد از دو دقیقه، تب او بر می گردد. و کذا لو لم يف زمان زوال العذر للوضوء بأن تجدد العذر بلا فصل. باز ایشان در آخر احتیاط را مطرح می کند. گویا ایشان دغدغه ای دارد که مجرد وجدان آب تیمم را باطل کند ولو اینکه ممکن نداشته باشد.

۱ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۵.

وجدان آب بعد از رکوع در نماز

مرحوم سید در مسئله ی بعد می فرماید:

« إذا وجد الماء في أثناء الصلاة بعد الركوع ثم فقد في أثنائها أيضا أو بعد الفراغ منها بلا فصل هل يكفي ذلك التيمم لصلاة أخرى أو لا فيه تفصيل^۱ »

ذکر قید «بعد از رکوع» طبق مبنای خود ایشان است که قائل به تفصیل است. اگر کسی قائل به تفصیل نباشد وجدان آب قبل از رکوع را نیز این مسئله شامل خواهد بود. فرض مسئله این است که درحالی که شخص نماز را ادامه می داد آب ها را یک نفر برد. در اثناء نماز آب را بردند یا اینکه بعد از نماز آب را بردند. اگر بعد از نماز آب به مقداری که قدرت دارد باشد همه می گویند تیمم منتقض شده است و بحثی ندارد، محل بحث در این مسئله این است که اگر بعد از نماز به مقداری کم آب داشت که تمکن از وضو نداشت. با این فرض، صحبت سر این است که آیا این تیمم علاوه تصحیح این نماز، برای نماز های بعدی نیز درست است یا اینکه مکلف باید یک بار دیگر تیمم کند؟

مختار سید یزدی: احتیاط

مرحوم سید در مسئله اشکال دارد. ایشان می فرماید:

« هل يكفي ذلك التيمم لصلاة أخرى أو لا فيه تفصيل؛ فإما أن يكون زمان الوجدان وافيا للوضوء أو الغسل على تقدير عدم كونه في الصلاة أو لا فعلى الثاني الظاهر عدم بطلان ذلك التيمم بالنسبة إلى الصلاة الأخرى أيضا و أما على الأول فالأحوط عدم الاكتفاء به^۲ »

ایشان تفصیل داده است. خوب بود که تفصیل را نمی آورد. ایشان می گوید زمان وجدان آب یا قدرت دارد برکسب طهارت مائیه و یا اینکه قدرت ندارد؛ اگر قدرت ندارد از محل بحث خارج است لذا خوب بود که طرح نمی کرد؛ زیرا واضح است که وقتی بقائاً قدرت ندارد تیمم سابق او کافی است، ولی ایشان ذکر کرده است.

اختلاف در فرض اول است که اگر این شخص وسط نماز نبود، قدرت داشت که با آن آب کسب طهارت مائیه کند. «و أما على الأول فالأحوط عدم الاكتفاء به^۳ »

۱ العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۱، ص ۵۰۵.

۲ العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۱، ص ۵۰۵.

۳ العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۱، ص ۵۰۵.

ایشان قائل به احتیاط می شود. اینکه تیمم با وجدان آب صحیح باشد خلاف قاعده است. در موارد خلاف قاعده باید به مورد نص اکتفاء شود. مورد نص همان نمازی است که مکلف در حال خواندن آن است. فقط امام علیه السلام حکم به اتمام همان نماز داده اند و نسبت به سایر نمازها سکوت اختیار کرده اند. سید با دیدن خلاف قاعده بودن مسئله و دیدن مورد نص، احتمال بطلان می دهد، از طرفی دیگر نیز این احتمال می رود که اینکه امام علیه السلام فرمودند دو رکعت را نقض نکند و نماز را ادامه دهد، ارشاد به این است که تیممش باقی است. کسی که تیممش باقی است تا زمانی که ناقض نیاید می تواند با آن تیمم اعمال دیگر را انجام دهد. فرض هم این است که نتوانسته است با آب وضو بگیرد. یعنی ناقض تیمم نیامده است و فقدان آب نیز ادامه دارد. در وجدان آن با نص درست می کنیم بقای تیمم را و در بقای آن به موضوع فقدان بقای تیمم را درست می کنیم که همان عدم تمکن است. مکلف در این فرض بقا تمکن ندارد. سید به دلیل این دو جهت مذکور، در مسئله اشکال داشته است لذا احتیاط را مطرح می کند. منشا اشکال سید این است که از جهتی باید حکم به بطلان کرد و از جهتی حکم به صحت، و از آنجایی که هیچ کدام روشن نیست احتیاط کرده اند.

مختار محقق نراقی: انتقاض تیمم نسبت به نمازهای بعد

در مقابل برخی گفته اند که یک طرف مسئله روشن است. یک دسته از فقهاء فرموده اند که قطعاً مقتضای ادله این است که بعد از نماز، تیمم هم نقض شده است. مرحوم حکیم ادعایی را از مرحوم نراقی در مستند نقل می کند؛ ایشان گفته است ظاهر آیه - ی قران و روایات این است که انسان باید برای هر نماز یک وضو بگیرد و تیمم کند. «قمتم الی الصلاة» انحلالی است. مقتضای آیه و اطلاعات روایات این است که هر نمازی یک تیمم مستقل دارد. اگر گفته شود که در روایات آمده است که راوی سوال کرده بود که می تواند با یک تیمم چند نماز را بیاورد؟ و امام جواب مثبت داده بودند. در جواب گفته می شود: آن روایاتی که فرموده است با یک تیمم می توان چند نماز را خواند محل بحث ما را شامل نیست؛ زیرا در آن روایات آمده است که می توانید با یک تیمم چند نماز را بخوانید تا وقتی که آب پیدا نکرده باشید. در حالی که مسئله ی مورد بحث وجدان آب و تمکن از طهارت مائیه است. ایشان فرموده است که مقتضای ادله ی اولیه این است که تیمم باید تکرار شود. روایاتی هم که حکم به

۱ مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۴، ص ۴۷۱. «و استدلاله فی المستند بأن مقتضی الآیه وجوب الوضوء أو التیمم عند إرادة کل صلاة، خرج ما خرج بدلیل شرعی، فببقی الباقي. مع أن المخرج - مثل صحیح زرارۃ: «یصلی الرجل بتیمم واحد صلاة اللیل و النهار کلها؟ فقال (ع): نعم ما لم یحدث أو یصب ماء» - «۱» - مخصوص بغیر المورد. انتهى»

اتمام کرده بود مربوط به همان نماز بود و نسبت به نماز های دیگر ساکت هستند. پس مقتضای اصل اولی به حال خود باقی است؛ بنابراین نماز که تمام شد، باید تیمم کرد زیرا هر نمازی یک تیمم می خواهد.

مناقشه در کلام محقق نراقی

لکن همانطور که سید حکیم فرموده اند انصاف این است که از آیه ی شریفه و روایات، به دست نمی آید که هر نمازی یک وضو یا تیمم بخواند.^۱ آنچه مسلم است این است که نماز طهارت می خواهد. نزاع فقط بر سر تحصیل طهارت است. امر به تیمم هم برای تحصیل طهارت وارد شده است. مقتضای آیات و روایات این است که شرط نماز طهارت است و طهارت تا وقتی که نقض نشود ادامه دارد؛ بنابراین نمی توان از روایات، وجوب تکرار تیمم را فهمید. بلکه مقتضای آیات و روایات عدم تکرار تیمم است.

ما در جواب محقق نراقی می گوئیم: حتی روایتی که می گفت با یک تیمم می توان نماز های متعددی را خواند برطبق قاعده وارد شده است نه اینکه خلاف قاعده باشد. لذا مرحوم حکیم فرموده است که ما دلیلی بر تکرار نداریم.

مرکز بحث این جاست که آیا به این وجدانی که این شخص در وسط نماز پیدا کرده است، موضوع تیمم منتفی شده است یا خیر؟! مرحوم حکیم تفصیل را ادعا می کنند. می فرمایند: طبق برخی مبانی تیمم نقض می شود و طبق برخی از مبانی نقض نمی شود. مبنای مورد نزاع در مسئله همان مسئله ی جواز یا حرمت قطع نماز است. آیا قطع نماز حرام است یا خیر؟ اگر کسی قطع نماز را حرام بداند، باید تفصیل دهد بین نماز های فریضه و نافله؛ چرا که در نافله از آنجایی که قطع نماز جایز است، موضوع تیمم منتفی شده است. اینکه می تواند ادامه دهد یک تعبد محض است که بعد از نماز، این تعبد منتفی است. وقتی تیمم نقض شده است، برای نماز بعد باید تیمم کند. اما اگر قطع نماز را جایز دانستیم، قبل از رکوع اگر آب پیدا شد و به مقدار وضو گرفتن تمکن داشتیم می توان ادامه داد ولی چون تمکن صدق می کند تیمم نقض شده است، ولی اگر بعد از رکوع بود موضوع تیمم منتفی نشده است. ادامه ی مسئله انشاءالله در جلسه ی آینده عرض خواهد شد. و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین.

۱ مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۴، ص ۴۷۲. «فیہ: أن الظاهر من قوله تعالى (وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا) وقوله تعالى (وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ) أن الواجب لكل صلاة هو الطهارة، وكذا يستفاد ذلك من أدلة النواقض للطهارات ومن غيرها، فإذا دل الدليل على كون التيمم طهارة ما لم ينتقض احتيج في وجوب إعادته إلى إثبات الناقض».

